

## راهبرد و فعالیت‌های سازمان CIA در کودتای نقاب

محمد کفاش<sup>۱</sup> و علی هاشم‌زاده<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۰۷ / ۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۰۷ / ۲۵

### چکیده

ایالات متحده آمریکا برای حفظ هژمونی خود در منطقه‌ی خاورمیانه و جنوب غربی آسیا، جمهوری اسلامی ایران را بزرگ‌ترین مانع بر سر راه خود تشخیص می‌داد. آمریکا با مدیریت سازمان جاسوسی و اطلاعاتی خود موسوم به CIA و به وسیله‌ی مخالفان ارتشی و طاغوتی در داخل ایران قصد داشت با کودتای نظامی نقاب، جمهوری اسلامی را سرنگون کند. این تحقیق با پاسخ به این پرسش که راهبرد و عملکرد سازمان سیا در کودتای نقاب چه بوده است؟ یافته‌هایی را به‌دست می‌آورد که حکایت می‌کند شکل‌گیری این کودتا، نشأت گرفته از حضور فعال سازمان سیا بوده و این سازمان با توجه به تجربه‌ی کودتاهای گذشته در نقاط مختلف جهان، این طرح نظامی را علیه ایران مدیریت کرد و ابزارهای مختلفی را در جهت براندازی جمهوری اسلامی که دارای ایدئولوژی اسلامی و تمدن ساز است به کار گرفته و هنوز هم به کار می‌گیرد.

**کلید واژه‌ها:** تاریخ معاصر، ایران، ایالات متحده آمریکا، سازمان سیا، کودتای نقاب، کودتای نوژه.

**استناد فارسی** (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): کفاش، محمد و علی هاشم‌زاده (۱۳۹۹، زمستان). «راهبرد و فعالیت‌های سازمان CIA در کودتای نقاب». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۳۰-۱۳.

<sup>۱</sup>. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

ایمیل: mohammadkafash@gmail.com

<sup>۲</sup>. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی اسلام دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

ایمیل: ali.h.1399@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

پایان جنگ جهانی دوم سرآغاز دست اندازی گسترده ایالات متحده آمریکا به مناطق مختلف جهان و دخالت‌های بی‌دلیل در امور کشورهای دیگر و سرکوب جریان‌ها و جنبش‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه به بهانه‌ها و عناوین گوناگون بود. در اوضاع آشوب پس از جنگ جهانی دوم، دو قدرت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه جماهیر شوروی، هر کدام توانستند با مکتب فکری خاص خود، علیه دیگری به تبلیغ و توطئه بپردازند. در این میان آمریکا هرگونه حرکت آزادی خواهانه‌ی ملت‌های جهان را به بهانه‌های واهی از جمله توطئه‌ی کمونیست‌ها منکوب کرد و به ملت‌ها اجازه‌ی خروج از یوغ استکبار را نمی‌داد. این قاعده در منطقه‌ی غرب آسیا نیز مستثنی نبود و واشنگتن سعی داشت هژمونی خود را به هر طریق حتی از راه انهدام دولت‌ها، حذف فیزیکی افراد و کشتار مردم بی‌گناه، حفظ کند.

حاکمیت جمهوری اسلامی با ایدئولوژی ضد استکباری در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، مانعی بزرگ برای تحقق این امر برای آمریکا محسوب می‌شد. چراکه این انقلاب به رهبری فقیه و فیلسوفی برجسته به دنبال احیای تمدن غنی اسلامی که متضاد با مقاصد تمدن غرب به ویژه قدرت‌های بزرگ بود، گام بر می‌داشت. بنابراین ایالات متحده که از تلاش‌های دیپلماتیک در جهت نفوذ در جمهوری اسلامی بهره‌ای نبرده بود و گسترش متد اسلام‌گرایی و ضد امپریالیستی را در منطقه توسط حضور جمهوری اسلامی بیش‌تر احساس می‌کرد، تصمیم گرفت با یک کودتای نظامی علیه جمهوری اسلامی، استحاله‌ی عظیمی در این حکومت نوپا ایجاد کند. این امر با کمک مخالفان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی و مدیریت سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)<sup>۱</sup> انجام شد. این تحقیق با اشاره به این نکته که سازمان سیای آمریکا دارای نقش پررنگی در تعیین سیاست‌های دولت خود می‌باشد، به تبیین روش‌ها و سازوکار فعالیت‌های این سازمان در این کودتا و بیان روند شکل‌گیری این طرح می‌پردازد. لازم به ذکر است که گروه‌های مختلفی از ضد انقلاب در این کودتا نقش ایفا کردند؛ اما این تحقیق تنها به آن گروه‌ها و افرادی که با سازمان سیا آمریکا ارتباط داشته، یا سیا از آنان برای انجام کودتا استفاده کرده، اشاره می‌کند.

در سال ۱۳۵۸ طرحی برنامه‌ریزی و آغاز شد که طبق آن مقرر گشت در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ علیه نظام جمهوری اسلامی کودتایی انجام شود. این طرح با مدیریت سازمان سیا و حمایت‌های دستگاه اطلاعاتی اسرائیل و عراق شکل گرفت. اما عمده عوامل اجرایی آن از افراد و گروه‌هایی تشکیل می‌شد که بنا به دلایل مختلف با جمهوری اسلامی ایران عناد و دشمنی داشتند؛ و سازمان سیا با شکل‌دهی این نیروها و تأمین مالی آن‌ها، گام به گام تا تحقق یک کودتای سرنوشته‌ساز در جهت رسیدن به اهدافش پیش رفت. ایالات متحده و سازمان سیا به این کودتا بسیار امیدوار بودند و به

<sup>۱</sup>. Central Intelligence Agency

زعم خود سرنگونی نظام اسلامی و به دنبال آن حاکمیت جریانی غرب‌گرا بدون تمسک به ایدئولوژی خاص در ایران را بسیار قریب می‌شمردند؛ چراکه دستگاه اطلاعاتی آمریکا در انجام این نوع کودتاهای نظامی بسیار پرتجربه بود و پس از جنگ دوم جهانی تا سال ۱۳۵۹ قریب به ۴۰ کودتا و مداخله نظامی - سیاسی در مناطق مختلف جهان اجرا کرده بود و جالب آن است که کودتای نقاب به جهت زیادی شبیه به کودتاهای اجراشده‌ی گذشته بود و همان روش‌ها در ایران توسط سیا به مرحله اجرا رسید. حال برای آن که با عملکرد سازمان سیا در انجام مداخلات آن در گذشته و شباهت روش‌ها در مقایسه با کودتای نقاب آشنا شویم، چند مورد از آن موارد را بیان خواهیم کرد.

## ۲. استراتژی سیا در اجرای یک کودتا

### ۲-۱. تصمیمات ضد قانونی (اندونزی)

در تاریخ فعالیت‌های سازمان جاسوسی آمریکا در جهان هنگامی که عملکرد این سازمان سری را مورد بررسی قرار می‌دهیم، مشاهده می‌کنیم سیا در زمانی که تشخیص بدهد که یک کشور به سمت استقلال طلبی یا کمونیستی شدن و یا هر جهان‌بینی دیگری که مخالف خواسته‌های خودش است حرکت می‌کند، بدون در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی و حتی قوانین خود ایالات متحده، به اقدامات سرکوبگرانه از جمله کودتا علیه آن کشور یا جنبش دست می‌زند و به‌نوعی این سازمان سیا است که سیاست خارجی آمریکا را تعیین می‌کند و این نوع رفتار جاسوسان سیا در تاریخ به فراوانی مشهود است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۴۹ یعنی زمانی که اندونزی با تلاش‌های بسیار «احمد سوکارنو» به استقلال رسید و از هلند جدا شد. سوکارنو در ادامه فعالیت‌های آزادی خواهی با تشکیل کنفرانس باندونگ، پیمان جنوب شرقی (سیتو) که از ناحیه ایالات متحده و برای بازدارندگی کمونیسم طراحی شده بود، را نقض کرد. آمریکا از استقلال پنجمین کشور پرجمعیت جهان و تحریکات ضدامپریالیسی آن احساس خطر کرد تا جایی که سیا فکر قتل رهبر اندونزی را در سر می‌پروراند و در نهایت تصمیم به اجرای عملیات پنهانی نظامی برای سرکوب این ماجرا گرفت. بنابراین به‌دنبال تقویت افسران ارتش اندونزی که با سیاست‌های سوکارنو مخالف بودند، فعالیت‌هایی را آغاز کرد. در مورد تصمیمات خودسرانه‌ی سیا در این ماجرا، «جوزف برکهولدر اسمیت»، مسئول بخش اندونزی در اداره مرکزی سیا بیان می‌کند:

«ما برای اجرای عملیات و حمایت از سرهنگان مخالف سوکارنو، از گروه ویژه‌ی شورای امنیت ملی آمریکا که عهده‌دار صدور فرمان برای شروع عملیات بود پیروی نمی‌کردیم و در بسیاری از موارد ما خودمان برنامه‌ی کار را پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تنظیم می‌کردیم تا وانمود کنیم مقصیبات آن انجام شده است! و بدین ترتیب سیا مستقلاً عملیات یا کودتایی را آغاز می‌نمود و به‌نوعی سیاست ایالات متحده را تعیین می‌کرد» (بلوم، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

در کودتای نوژه نیز عوامل داخلی مخالف جمهوری اسلامی نظیر بختیار به محض این که از سیا درخواست حمایت کردند، بلافاصله این سازمان برای آن‌ها در طرح کودتا رابط معرفی و همکاری خود را آغاز می‌کند و درگیر مسائل بروکراسی اداری و قانونی نمی‌گردد که این خود نوعی بی‌قانونی ریشه‌دار در سازمان اطلاعاتی آمریکا محسوب می‌شود و موجب تضییع حقوق اقشار مختلف جامعه بشری می‌گردد.

## ۲-۲. ارتشی‌های مخالف و افراد کلیدی (سوریه)

سازوکار اجرای کودتا در کشور مورد نظر سیا به وسیله‌ی نیروهای نظامی مخالف حکومت به علاوه شخصیت‌های مشهور و کلیدی آن کشور انجام می‌شود که در ایران نیز این طرح برای اجرا تصویب شد و از ارتشیان سلطنت طلب مخالف نظام جمهوری اسلامی به سرکردگی سرهنگ دوم محمد باقر بنی‌عامری و از شخصیت‌های کلیدی و مشهور نظیر بختیار و آیت الله شریعتمداری استفاده شد؛ که این طرح در کودتاهای آمریکایی در کشورهای دیگر مسبوق سابقه بود. آمریکایی‌ها بین سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷م. در سوریه و در زمان ریاست جمهوری شکری القوتلی که مخالف سلطه مصر بر سوریه و منطقه عرب خاورمیانه بود (توکلی نیشابوری، ۲۰۱۴: ۴۷۸)، تشخیص دادند سوریه چپ‌گرا، زیر سلطه‌ی کمونیست خواهد رفت و منافع ایالات متحده را در کشور همسایه‌اش یعنی ترکیه آشکارا مورد تهدید قرار خواهد داد.

بنابراین سازمان سیا از طریق میخائیل بیک الیان که زمانی در مقام وزیر خارجه‌ی سوریه بود و از این جهت چهره‌ای مشهور تلقی می‌شد و در سال ۱۹۵۶ (زمان کودتا) رهبری حزب محافظه کار قومی سوریه را برعهده داشت، برای کودتا وارد عمل شد و وی باتشریح برنامه کودتا برای ارتشیان مخالف حکومت و توضیح چگونه در دست گرفتن اختیار اوضاع شهرهای دمشق، حلب، حمص و حما، هم‌چنین پاسگاه‌های مرزی با اردن، عراق و لبنان تا زمان اعلام رادیو مینی بر ریاست سرهنگ عمر قبانی (از فرماندهان ارتش) بر کشور، کودتا را برای روز ۲۵ اکتبر ۱۹۵۶ برنامه‌ریزی می‌کند و برای این کودتا، اولیان «نیم میلیون لیره سوری» از سیا دریافت می‌کند. جالب آن است که این کودتا نیز شبیه کودتای نوژه، قبل از عملیات لو می‌رود. افسران ارتش سوریه که برای کودتا در نظر گرفته شده بودند، به اتاق عبدالحمید سراج رئیس امنیت سوریه وارد و پول‌هایی که به‌عنوان رشوه از سیا دریافت کرده بودند روی میز وی می‌گذارند و مأموران مخفی سیا را لو می‌دهند (بلوم، ۱۳۸۸: ۱۸۸ - ۱۵۸). در این ماجرا سیا قصد داشت با برکناری شکری القوتلی به وسیله‌ی نیروهای نظامی و ارتشی و برخواستن چهره مشهوری مانند الیان حکومت جدیدی را در جهت تأمین هژمونی و منافع خود ایجاد کند که به نتیجه نرسید.

## ۲-۳. مأمورین فعال (غنا)

«قوام نکرومه» رئیس جمهور غنا مردی بود که در سال‌های دانشجویی خود در آمریکا طعم فقر را با خوابیدن در ایستگاه‌های قطار نیویورک و ایستادن در صف‌های طولانی سوپ رایگان، چشیده بود؛ به همین جهت و با ایجاد تفکر ضد ظلم در وجودش بعدها به درخشان‌ترین ستاره آفریقا و رهبری که هدفش ایجاد سازمان ضد امپریالیستی بود، مورد استقبال قرار گرفت. ایالات متحده مایل به برکناری او بود و کودتایی علیه وی با مدیریت سیا و به واسطه دسته‌ی مخالف نکرومه در کشور و در ارتش انجام داد. یکی از مهم‌ترین عواملی که در اجرای این کودتا نقش ایفا می‌کرد، مأموران فعال سیا در این کشور بود. روزنامه «دیلی تلگراف»<sup>۱</sup> روزنامه‌ی محافظ کار لندن در ۱۹۷۲ گزارش می‌دهد:

«در سال ۱۹۶۵ ایستگاه سیا در آکرا، پایتخت غنا دارای چهل مأمور فعال بوده است که مالی کلان پول میان مخالفان نکرومه پخش می‌کرده‌اند. جان استاک ول افسر سیا شاغل در آفریقا فاش می‌سازد که ایستگاه سیا در آکرا بودجه‌ی هنگفتی دریافت داشته و پیش از کودتا رابطه صمیمانه‌ای با توطئه‌گران برقرار کرده بودند، روابط یاد شده به قدری نزدیک بود که به محض وقوع کودتا توانست بخشی از تجهیزات سری شوروی (قدرت رقیب آمریکا) را از نظامیان بگیرد و در اختیار ایالات متحده قرار دهد» (به نقل از بلوم، ۱۳۸۸، ۴۸۲ و ۴۸۳).

بنابراین نقش مأموران، رابطان، منابع و افراد مرتبط با سیا در یک کودتا بسیار دارای اهمیت است که بتوانند فضا و جو حاکم را به سمتی که سیا انتظار دارد ببرند؛ کما این که در کودتای نوزه نیز مأموران سیا بسیار فعال بوده و برای اجرای این طرح با گذرنامه‌های گوناگون و به صورت مخفی به ایران سفر می‌کردند.

## ۲-۴. استفاده از متحدین همسایه (کامبوج)

سیا در زمانی که نقشه‌ی کودتا برای یک کشور می‌ریخت، همسایگان آن کشور را که از قضا ممکن بود متحدین آمریکا باشند برای همکاری به کار می‌گرفت. پادشاهی کامبوج در سال ۱۹۵۵ شخصی به نام شاهزاده «نورودوم سیهانوک»<sup>۲</sup> بود که با توجه به اصرار و جلسات متعدد آلن دالس رئیس وقت سیا به پیوستن کامبوج به پیمان سیتو اما او نمی‌پذیرفت. به اعتقاد سیهانوک «سیتو» اتحادیه‌ای نظامی مهاجمی بود که بر ضد همسایگان جهت‌گیری شده بود و کامبوج با آن‌ها منازعه- ای نداشت (Sihanouk, 1974: 75 & 76). در مارس ۱۹۵۶ پس از آن که سیهانوک از پکن دیدار و از پیمان سیتو انتقاد کرد، تایلند و ویتنام جنوبی که وابسته و متحد آمریکا به شمار می‌رفتند و از

<sup>۱</sup>. The Daily Telegraph

<sup>۲</sup>. Norodom Sihanouk

حیث جغرافیایی کامبوج را مانند ساندویچ در میان گرفته بودند، ناگهان مرزهایشان را با کامبوج بستند. این اقدام بسیار جدی و برای کامبوج بسیار گران تمام می‌شد چرا که کامبوج یا از راه رود مکنونگ از میان ویتنام جنوبی با دنیای خارج ارتباط برقرار می‌کرد و یا از طریق راه آهن میان تایلند. تحریکات نظامی پی در پی، خطر را برای این کشور پادشاهی افزایش می‌داد، سربازان تایلندی به خاک کامبوج تجاوز کردند و چریک‌هایی که از حمایت مالی سیا برخوردار بودند از ویتنام جنوبی دست به حملات جنگی زدند. سیهانوک به مقاومت و دفاع از سیاست بی‌طرف کامبوج پرداخت و اشاره به گرفتن حمایت و کمک مالی از بلوک سوسیالیستی کرد که این موجب عقب‌نشینی موقب حملات آمریکا و متحدانش شد. در نهایت طی یک دهه تقابل و فراز و نشیب میان کامبوج و ایالات متحده، در ۱۸ مارس ۱۹۷۰ در حالی که سیهانوک در مسافرت به سر می‌برد، دو تن از وزیرانش به نام‌های «لون نول»<sup>۱</sup> و «سیریک ماتاک»<sup>۲</sup> او را از ریاست کشور عزل کردند و دلایل و شواهدی وجود دارد که حاکی از همدستی آمریکا و سازمان جاسوسیش با این دو وزیر است (بلوم، ۱۳۸۸: ۳۱۶).

در ماجرای کودتای نوژه نیز کشور عراق که از متحدان آمریکا در آن زمان به‌شمار می‌رفت، به فراهم کردن فضا برای اجرای کودتا پرداخت و بعد از آن که کودتا به نتیجه نرسید، طبق مرحله دوم نقشه‌ی سیا و کودتاچیان جنگ عراق علیه ایران با کمک شیوخ عرب خلیج فارس طی دو ماه بعد از تاریخ عملیات در شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد.

### ۳. کودتا و عوامل و افراد مرتبط با آن

#### ۳-۱. بختیار و سازمان سیا

در دوران رژیم شاهنشاهی با توجه به نفوذ و گسترده‌ی فعالیت‌های آمریکا در ایران، سازمان جاسوسی این کشور با افراد و مسئولین متعددی در سلطنت پهلوی ارتباط برقرار کرده بود که بتوانند اهداف و امور مد نظر خود را با شرایطی مساعد تحقق ببخشند. شاهپور بختیار از اعضای جبهه ملی و آخرین وزیر رژیم پهلوی و از سران مشهور کودتای نوژه نیز از این قاعده مستثنی نبود. یکی از اسناد کشف شده از سفارت آمریکا در تهران بیان می‌کند که شاپور بختیار در سال‌های اولیه دهه چهل با چند تن از مردان قرارگاه سیا در تماس بود (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌تا: ۹) و این ارتباطها تا زمان انقلاب نیز ادامه داشته است. در اسناد لانه‌ی جاسوسی کد رمزی با عنوان «پ/۱» وجود دارد که این شخص یکی از اقوام بختیار می‌باشد؛ آن سند محرمانه بیان می‌کند که بختیار قبل از کودتا با «پ/۱» تماس گرفته و از او خواسته که ملاقاتی با مقامات سازمان سیا

1. Lon Nol

2. Sisowath Sirik Matak

داشته باشد و سیا از طریق همان «پ/۱» به بختیار پیغام می‌رساند که برای ارایه‌ی نظریاتش به سیا از «پ/۱» به‌عنوان رابط استفاده کند(همان: ۱۴).

به تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۷ سندی دیگر وجود دارد که بیان می‌کند «پ/۱» از ۲۵ الی ۲۸ سپتامبر در پاریس با بختیار و از ۲۹ سپتامبر تا دوم اکتبر در لندن با تیمسار جم دیدار کرده است و بختیار از طریق «پ/۱» به سیا اطلاع می‌دهد که وی را به‌عنوان واسطه بین خود و سیا پذیرفته است و در ادامه می‌گوید که او با سرمایه‌ی قلیلی فعالیت انجام می‌دهد که به جایی نمی‌رسد مگر این‌که از آمریکا تأمین مالی و راهنمایی عملیاتی دریافت کند؛ در ادامه گزارش از قصد سفر بختیار به آمریکا برای مذاکره مستقیم با دولت آمریکا نکاتی بیان می‌شود و همچنین از حضور دکتر رحمان برومند از مرتب‌ترین سیا در دفتر بختیار نام می‌برد(همان: ۲۳ و ۲۴). این گفتگو و ارتباطها بین بختیار و سیا زمانی رخ می‌دهد که آمریکا در تدارک عملیات طیس برای آزادسازی گروگان‌ها به سر می‌برد و هم‌زمان با آن، عملیات از طریق بختیار و مقدمات اجرای کودتای نوژه را برای ضربه‌ی اساسی به جمهوری اسلامی فراهم می‌کند(مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۹۰). منصور فرهنگ نماینده سازمان ملل با اشاره به نقش سازمان سیا، عناصر ضد انقلاب، عراق و بختیار می‌گوید: «شکی نیست که این افراد از آمریکا اسلحه دریافت می‌کنند»(به نقل از کیه‌زا، ۱۳۶۲: ۸۱).

### ۲-۳. طرح کودتا

از جانب اتاق فکر کودتاچیان، پایگاه نوژه همدان قرارگاه اصلی برای این حرکت نظامی تعیین شد؛ که بنابر نام این پایگاه بعدها این عملیات به کودتای نوژه معروف شد. سرهنگ دوم بازنشسته ژاندارمری به نام محمد باقر بنی عامری که از نزدیکان غلامحسین اویسی فرمانده نیروی زمینی رژیم پهلوی بود، در سدد ارزیابی مقدمات و فراهم کردن این توطئه برآمد. واسطه‌ی بنی عامری و غرب، سرهنگ رکن ۲ ارتش عطاالله بای احمدی بود که با سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا ارتباط داشت. بعد از یک ماه، احمدی به بنی عامری خبر داد که آمریکا آماده حمایت از افرادی است که قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی را دارند. ابوالقاسم خادم از اطرافیان شاهپور بختیار موجب نزدیکی افراد بنی عامری با بختیار و افرادش شد(مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۳)؛ این در حالی است که ناصر رکنی از سران کودتای نوژه در اعترافاتش در دادگاه می‌گوید:

«اگر آمریکا در این کودتا نقشی به‌عهده نداشت مطمئن باشید که اصلاً نطفه‌ی کودتا تشکیل نمی‌شد، ... دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأموران سیا و یکی از دوستان بنی عامری در اروپا برقرار شد و سیا، عامری را در خط شاپور بختیار قرار داد و تمام هماهنگی‌ها لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد بختیار در پاریس از طریق سیا صورت می‌گرفت»(همان: ۱۱۴).

بنابر گزارش رادیو مسکو، از چند ماه قبل از کودتا، کارشناسانی به منظور سازماندهی کودتا و انجام نبردهای خیابانی با گذرنامه‌های انگلیسی و جمهوری آلمان فدرال و دیگر کشورهای متحد آمریکا به عنوان جهانگرد از ایران دیدن کردند و به آموزش عناصر کودتای و آماده کردن آنها برای عملیات علیه نظام جمهوری اسلامی پرداختند. در این میان حداقل ۱۰۰ نفر از اعضای سازمان سیا وارد ایران شدند (به نقل از وب سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی). بخش اطلاعاتی گروه کودتا به ۶۰ نفر از مأموران سابق ساواک مأموریت شناسایی افراد و جمع آوری اطلاعات داده بودند؛ یکی از مهم‌ترین چهره‌های ساوک، پرویز ثابتی رئیس سابق این سازمان امنیتی بود که از خارج از کشور کودتا را حمایت می‌کرد (شاهدی، ۱۳۸۶: ۷۵۵).

دو طرح برای سرنگونی جمهوری اسلامی در آن برهه‌ی زمانی برنامه‌ریزی شده بود. اول ائتلاف مصر و عراق و برخی شیوخ خلیج فارس و تبدیل رژیم عراق به بازوی نظامی بلاد عرب برای حمله به مناطق غربی و جنوبی و دوم ائتلاف چهره‌های سیاسی مانند جبهه ملی، چهره‌های سازشکار مذهبی و نظامیان ملی‌گرا و سلطنت‌طلب برای فراهم کردن یک کودتا. این درحالی بود که مقامات آمریکایی تا مدتی مشغول انتخاب یکی از طرح‌ها برای شروع بودند؛ سرانجام پس از سفر بنی عامری به پاریس در اسفند ۱۳۵۸ طرح کودتا مقدم شد و طرح حمله عراق در مرحله دوم قرار گرفت (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۸ و ۱۱۵). در تصویب اولویت کودتا، نظرات سازمان سیا، مוסاد اسرائیل و سازمان اطلاعاتی عراق دخیل بود و در تقسیم وظایف، سازمان اطلاعاتی سیا مسئول هماهنگی برنامه‌های ستاد بختیار با سیاست‌های آمریکا بود (همان: ۱۱۳). در مورد عملکرد سازمان سیا در طراحی این کودتا، ناصر رکنی در اعترافات خود می‌گوید:

«دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان بنی عامری در اروپا برقرار می‌شود و آنها بنی عامری را با بختیار مرتبط می‌سازند. تمامی هماهنگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس، از طریق سیا انجام می‌گرفته است. هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق، توسط نماینده سازمان سیا که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است، انجام می‌گرفته است» (به نقل از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

رهبر نظامی کودتا در داخل کشور محمد باقر بنی عامری بود که دائماً با سیا به طرق مختلف ارتباط داشت که با نام‌های مستعاری مانند امید محمدی و احسان فعالیت می‌کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳: ج ۱ / ۱۲۲). عملیات قرار بود به‌طور هم‌زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ به اجرا درآید و اماکنی مانند مدرسه علمیه فیضیه قم، اقامتگاه امام خمینی <sup>رحمت الله علیه</sup> در جماران، کمیته مرکزی انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ساختمان نخست وزیری، مراکز و ستادهای نماز جمعه و ... توسط هواپیماهای نظامی بمباران شود. قرار بود کودتایان شهرها را با بمب خوشه‌ای و بمب‌های آتش‌زا بمباران کنند. آنان حدود ۳۰ فروند



هواپیما، ۶۰ نفر خلبان و حدود ۵۰۰ نفر افراد فنی و نظامی را برای انجام عملیات آماده کرده بودند (موسوی، ۱۳۶۳: ۱۸۹).

بیت امام <sup>رحمت الله علیه</sup> مهم‌ترین برنامه‌ی عملیاتی کودتا بود؛ چراکه سران کودتاچی می‌دانستند تا زمانی که امام <sup>رحمت الله علیه</sup> زنده است مردم با یک کلمه ایشان به خیابان‌ها می‌ریزند و کودتا را عقیم می‌کنند. لذا برای بمباران بیت امام <sup>رحمت الله علیه</sup> ۳ هواپیما به خلبانی سه تن از بهترین خلبان‌ها در نظر گرفته شده بود که مأموریت‌های متفاوتی از جمله شلیک موشک، پرتاب بمب ۷۵۰ پوندی و ۴ بمب خوشه‌ای بود (فوزی، ۱۳۹۲: ۶۳۵). تدارکات این حرکت نظامی که تهیه اسلحه، ماشین، خانه و پول را شامل می‌شد در اختیار منوچهر قربانی فر شخص نام‌آشنای مرتبط با سازمان سیا بود و تأمین مالی از جانب آمریکا، انگلیس و عراق به ستاد کودتا در پاریس منتقل و از آن‌جا به دست عوامل ایرانی می‌رسید که در هفته‌ی نخست مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به سبک فوق ارسال شد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۱۲۱) و هم‌چنین سروان حمید نعمتی از کودتاچیان به یکی از خلبانان، گستاخانه گفته بود ما می‌توانیم در این عملیات تا پنج میلیون نفر را بکشیم (غضنفری، ۱۳۹۴: ج ۳ / ۳۳).

باتوجه به این دو نکته فوق در کودتای نوژه، به یکی از متدهای سازمان سیا دست می‌یابیم؛ اول آن که پول خرج کردن برای سازمان سیا در تاریخ کودتاهايشان علیه کشورها یک امر عادی محسوب می‌شود، خصوصاً پولی که از متحدانش تأمین کرده باشد و حتی اگر به نتیجه دلخواه نرسند، بازهم پشیمان نیستند. دوم آن که کشتن انسان‌های بی‌گناه چه نظامی و چه غیر نظامی اصلاً برای آن‌ها اهمیتی نخواهد داشت و تنها یک چیز برای آن‌ها مهم است و آن این است که در عملیات‌ها و کودتاها، آمریکایی‌ها کشته نشوند. شاهد این نکته، اجرای ده‌ها کودتا به این سبک است که یکی از آن‌ها در کشور لائوس اجرا شد. در جریان کودتای سیا علیه این کشور، «الکسیس جانسون» معاون وزارت خارجه آمریکا، بعد از بمباران کشور کمونیستی لائوس در سال ۱۹۷۱ که عمدتاً بمباران مناطق مسکونی بود و نتیجه نظامی نداشت می‌گوید:

«ما به‌عنوان آمریکایی می‌توانیم از عملیات لائوس احساس افتخار کنیم. عملیات یاد شده عملاً هیچ صدمه‌ای به آمریکایی‌ها نزد. به نظر من آن‌چه در برابر پول خرج شده به دست آوردیم و به زحمتش می‌ارزید» (بلوم، ۱۳۸۸: ۳۲۴).

یکی از مشکلاتی که بر سر راه کودتاچیان بود، اطمینان از فراهم بودن هواپیماهای نظامی و سوار بودن مهمات بر آن‌ها در روز موعود ارزیابی می‌شد؛ هنگامی که حملات عراق به ایران محدود می‌شد و اوضاع جنگ به حالت عادی برمی‌گشت، مهمات ارتش ایران نیز از هواپیماها پیاده و به انبار منتقل می‌شد. برای حل این مشکل، ستوان ناصر رکنی در اعترفاتش می‌گوید از افراد سازمان سیا و موساد و عراق خواسته شد حملاتی هوایی به ایران داشته باشد که ایران مجبور باشد هواپیماهای خود را زیر مهمات سنگین نگه دارد که حملات گاه به گاه هوایی یا توپخانه‌ای ارتش

عراق را پاسخ بدهد(مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۲۰۶). هم‌چنین آمریکا قبل از شروع عملیات کودتا، تحرکات زیادی از جمله اعزام دو ناو هواپیمابر و ۲۵ ناو جنگی به خلیج و ۲ روز پیش از آغاز کودتا، به بهانه مانور مشترک با مصر، تعداد زیادی از هواپیماهای خود را به قاهره وارد کرد تا برای اقدامات لازم در قبال ایران آماده باشد(کاوشی، ۱۳۸۸: ۶۱). این تدارکات، آمریکایی بودن کودتا را روشن‌تر می‌ساخت و نشان می‌داد که این ایالات متحده چقدر به این عملیات نظامی امیدوار است.

## ۴. حامیان داخلی سیا

### ۴-۱. خسرو قشقایی

یکی از گروه‌هایی که سیا را در ماجرای کودتای نوژه همراهی می‌کرد بخشی از ایل قشقایی بود که تحت لوای خسرو قشقایی قصد حرکتی تجزیه طلبانه را داشت. او در اعترافاتش می‌گوید:

«قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت ۲۵ سال در خارج از ایران بودم و با افرادی چون شاهپور بختیار، داریوش فروهر، صادق قطب زاده، بنی صدر و عناصر اصلی جبهه ملی ارتباط داشتم... پس از آمدن به ایران، از طریق ارتباط تلفنی که از هتل محل اقامتم با مأمور سیای آمریکا داشتم، ضمن دریافت خط مشی اجرای توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، چگونگی اوضاع داخلی کشور را به اطلاع آن‌ها می‌رساندم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر اساس برنامه‌ای که از طرف آمریکا هماهنگ شده بود، من با افرادی چون مدنی و بنی صدر ارتباط برقرار کردم و در سال ۵۹ با کمک‌های مالی آمریکا و همکاری شاهپور بختیار، ناصر قشقایی برادرم و پسرش عبدالله برای تهیه نفرت و امکانات جهت اجرای یک کودتای آمریکایی به جنوب رفتم و برخلاف آن‌چه که تصور می‌کردیم که بتوانیم به‌طور گسترده همکاری مردم را جلب کنیم، پس از مدتی با مخالفت عظیم آن‌ها روبه‌رو شدیم. آمریکایی‌ها از طریق نماینده‌ای که در شیراز داشتم، ماهانه با ارسال ۱۵۰ میلیون ریال مقرر، هزینه‌ی توطئه‌های ما علیه جمهوری اسلامی را تأمین کردند. کاندیداتوری من در مجلس شورای اسلامی در اجرای برنامه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی بود و قرار بود من به‌عنوان مهره‌ی آمریکا در مجلس ایران نفوذ کنم»(به نقل از لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۹۱: ج ۲۱/ ۸۵۱).

خسرو قشقایی و برادرش ناصر قشقایی که ادعای ریاست ایل را داشتند با حمایت بنی صدر یک آشوب تجزیه طلبانه در منطقه حساس کوچ یعنی از اصفهان تا خلیج فارس پدید آوردند. در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۵۹ مأموران سپاه طی بازرسی از منزل خسرو قشقایی تعداد ۳۵۰۰ تیر فشنگ، ۵۰ عدد خشاب ژ ۳ و کلت، تعداد ۵۲۱ عدد پوکه انواع فشنگ‌ها، ۵ عدد اسلحه کمری و ۴ عدد تفنگ‌های جنگی که برای توطئه‌هایی فراهم شده بود یافتند(سلیمانی‌خواه، ۱۳۹۴: ج ۹ / ۲۹۱).

## ۴-۲. حزب خلق مسلمان

یکی از طرح‌های سازمان سیا برای براندازی جمهوری اسلامی یا حداقل تصاحب مدیریت آن، استفاده از شخصیت‌های مذهبی در کنار شخصیت‌های ملی بود؛ چراکه آن‌ها دارای وجهی و جبهه در بین مردم و جایگاه رفیع و نفوذ در میان مسئولین بودند. یکی از افراد مورد نظر سیا برای این کار، آیت الله شریعتمداری بود که پدر معنوی و مذهبی حزب خلق مسلمان محسوب می‌شد و دارای نفوذ فراوان در آذربایجان بود؛ تا آن‌جا که هفته‌نامه‌ی این حزب در شماره ۱۸ نشریه خود می‌نویسد:

«سرنوشت مردم ایران را آذربایجان تعیین می‌کند و سرنوشت آذربایجان را آیت الله عظمی شریعتمداری در دست دارد» (هفته‌نامه خلق مسلمان، بی‌تا: ۳).

در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۷ توماس آهرن که نام واقعی او دونالسی پوکوئین می‌باشد و رئیس ایستگاه سیا در سفارت آمریکا در تهران بود، در استفاده از این نوع شخصیت‌ها در ایران، در گزارشی می‌گوید:

«در صورتی که ارتش از کسی طرفداری کند، اوضاع می‌تواند صورت دیگری پیدا کند، اما آن‌ها (ارتشی‌ها) هنوز کاملاً وحشت زده‌اند. انضباطشان ضعیف است و اشتیاق حرفه‌ای عملاً وجود ندارد و رهبران احتمالی که به نظر می‌رسد بتوانند اعتماد به نفس خود را بازگردانند هنوز پدیدار نشده‌اند ... شما (ادوارد جی گنین - نام رمز آدمیرال ترنر رئیس سیا در دوران ریاست جمهوری کارتر) از من خواستید که یک فرصت راجع به امکانات اعمال نفوذ در جریان امور اظهار نظر کنم. من نظر خود را فقط به‌طور حاشیه‌ای و جزئی و تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می‌کنم و این هم مرحله‌ای است که برای طی آن از دست ما کاری ساخته نیست. کاری که از دست ما بر می‌آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرال‌های سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو و سران ارتشی متمایل به غرب (هنگامی آن ظهورشان شروع شد) را شناسایی کرده و آماده حمایت از آن‌ها شویم. کسی که بیش از دیگران احتمال داده می‌شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت الله شریعتمداری است» (به نقل از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۶۵: ج ۵۵ / ۳۰ و ۳۱).

بدین ترتیب یکی از توده‌های مردمی که برای حمایت از کودتای نقاب در نظر گرفته شده بود، حزب خلق مسلمان آذربایجان بود که مقرر گشت پس از کودتا بختیار به آن‌جا برود و آذربایجان به عنوان مرکز «ایران آزاد» از بختیار پشتیبانی کند. ستوان رکنی در این رابطه می‌گوید:

«قرار بود که بختیار یا به تبریز و یا به خوزستان برود. اگر تبریز در جریانات اقدامات حزب جمهوری خلق مسلمان تصرف می‌شد و نیروی زمینی و پایگاه هوایی آن‌جا نیز تبعیت می‌کرد، بختیار به آن‌جا وارد شده و آذربایجان را به‌عنوان ایران آزاد اعلام می‌نمود. البته آذربایجان به علت نزدیکی با مرز شوروی و حساسیت روس‌ها به آن، از لحاظ حساسیت جمهوری‌های مسلمان‌نشین، خودش در مرحله دوم بود. مرحله اول خوزستان بود که قرار بود با یک تهاجم

گسترده‌ی هوایی و زمینی توسط عراق و مصر تصرف شده و به عنوان ایران آزاد اعلام و در اختیار بختیار قرار گیرد» (به نقل از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

در این کودتا حزب خلق مسلمان آماده‌ی حمایت از کودتای آمریکایی نوژه بود که در مسیر براندازی نظامی ایران گام بر می‌داشت.

#### ۴-۳. بنی صدر

سازمان سیا در دروان وقوع انقلاب اسلامی با بنی صدر ارتباط گرفته بود؛ چرا که سیا وی را شخصی صاحب نفوذ در بین انقلابیون تشخیص داده و بنا داشت از او برای تحقق اهدافش و ایجاد جریان غرب‌گرا در انقلاب ایران استفاده کند. در مورد ایجاد ارتباط سیا با بنی صدر به وسیله‌ی مأموری به نام «راتر فورد»، توماس آهرن رئیس ایستگاه سیا در سفارت آمریکا در تهران می‌گوید:

«به من گفته شده بود که دولت آمریکا به‌طور اعم و سیا به‌طور اخص، در نظر دارند که اگر امکانی باشد، با افرادی که در انقلاب ایران می‌توانند نقشی داشته باشند تماس برقرار شود. لذا زمانی که بنی صدر در فرانسه بود، یک افسر بازنشسته‌ی سیا مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای بنی صدر تماس برقرار کند. ایشان خود را به‌عنوان نماینده یک کمپانی معرفی کرده و اظهار داشته است که نسبت به آینده اقتصادی ایران و ارتباط آن با دنیای غرب مخصوصاً آمریکا علاقه‌مند به صحبت با بنی صدر می‌باشد؛ بنی صدر نیز با این مسئله موافقت داشت» (به نقل از اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۹: ج ۱/ ۴۸۷).

این ارتباط باعث شد تا بنی صدر در طول دوران مسئولیت‌هایش در جمهوری اسلامی به صورت پنهانی در زمین آمریکایی‌ها بازی کند که در ماجرای کودتا نیز با توجه به شواهد، کودتاگران از حمایت‌های او برخوردار بودند. در یکی از اسناد محرمانه سپاه پاسداران از مهندس اسفندیار درویش (مشاور صنعتی بنی صدر) و منوچهر مسعودی (مشاور حقوقی بنی صدر) نام برده شده است که محور ارتباطی بنی صدر با بختیار بوده‌اند. درویش از جمله کسانی بود که در کودتای نوژه نقش فعالی داشته و با منوچهر قربانی‌فر، سرشاخه ملی کودتاچیان همکاری نزدیک داشت و قبل و بعد از کودتا میلیون‌ها تومان پول رد و بدل کرد (انجمن اسلامی کارمندان دادگستری مرکز، ۱۳۶۴: ۱۸۸). رکنی در اعترافات می‌گوید بنی صدر از ابتدا در لیست کسانی بود که باید ترور می‌شد. اما بعداً تصمیم گرفته شد او را دستگیر کنند. او می‌گوید:

«ابتدا قرار بود که رئیس جمهور توسط گارد محافظ خودش که جزو عوامل کودتا بودند به قتل برسد. بعد به تدریج این موضوع تخفیف پیدا کرد تا جایی که مهم‌ترین گروه تروریست کودتا (گروه نجات گروگان) وظیفه پیدا کرد که حوالی منزل رئیس جمهوری بوده و وی را دستگیر سازد» (به نقل از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

این موضوع نشان دهنده‌ی آن است که آمریکا برای وی برنامه‌هایی طراحی کرده و قصد داشته تا بعد از کودتا از او در ایران به‌عنوان یک شخصیت برجسته‌ی سیاسی که مقبولیتش از افراد دیگر هم‌چون بختیار، بنی عامری و ... بیش‌تر است در جهت کنترل مردم استفاده کند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴: ۴۴). بنی صدر نیز با تظاهر به پیگیری کودتا و کودتاچیان به دستگیری آن‌ها می‌پردازد اما پس از مدتی به‌صورت غیر قانونی ۵۱ نفر از زندانیان را آزاد می‌کند تا ردی از او در این ماجرا لو نرود. و بدین ترتیب خیانت‌های بنی صدر در کودتای نوژه علیه ملت ایران بیش از پیش آشکار می‌شود و چند ماه بعد با توجه به بسیاری از اسناد ارتباط او با سیا مشهود و زمینه عزلش فراهم می‌گردد.

## ۵. نتیجه

این تحقیق با مطرح کردن این سؤال که سازوکار فعالیت‌های سازمان سیا در کودتای نوژه چه بوده است به نتایجی تطبیقی رسید. نگارنده در نتیجه یافته‌های خود، به این پاسخ رسید که سازمان سیا با حمایت شخصیت‌های مشهور و ملی مذهبی و هم‌چنین تأمین مالی، تأمین نیرو، ارتباط مستقیم با سران کودتا و تشویق کشورهای متحد خود برای کمک به کودتا، در پی براندازی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیتی غربی در ایران بود که برای این هدف از تجربیات گذشته خود در اجرای کودتاهای گوناگون در سراسر جهان مثل اندونزی، سوریه، غنا و کامبوج بهره برده بود.

ج - اگر آمریکا در این کودتا نقشی بعهده نداشت مطمئن باشید که اصلاً نطقه کردستان  
 تشکیل نمیشه تا هم اکنون من باین سوالات جواب دهم ۳۰ ای ۳ ماهه باز بیروز انقلاب  
 اولین تماس بین نامورین سیا و پلی از دوستان بنی عامر در اروپا برقرار میشد و آنجا  
 بنی عامر را در خط نخبیار قرار میدهند تمام ها هتلیها لازم بین کشورها عضو بازار مشترک  
 اروپا و ستاد دکتر نخبیار در پاریس از طریق سیا انجام میگرفته است. ها هتلی سیز  
 اسرائیل و کشورها در تاج منطقه نظیر عربستان - مصر - عراق توسط نماینده سیا که در  
 دفتر دکتر نخبیار در پاریس است انجام میگرفته است (حلق اظهار بنی عامر زنده تر است  
 بلکه به خیلی ازاد دیگر نظیر سرتیب سه ضگ زاد). تا همین هزینه ها عا در چه بصورت مستقیم  
 (احتمالاً) و چه بصورت غیر مستقیم (حقاً) نظیر یک ده میلیون دلاری عربستان سعودی  
 توسط آمریکا بصورت میگرفته است. تغییرات لازم در حق تقدم نقشه ها (جابجا  
 نمودن حق تقدم هله مصر و عراق با ایران با نقشه کودتا) توسط سیا انجام شده است.  
 شناسائی ازاد مخالف در کشور یا خارج از کشور و سرمنی آنها به نخبیار و تقویت  
 امکانات آنها در اختیار گذاردن امکانات لازم با نخبیار نظیر معرفی پالیز بان که در یکی از  
 دهات عراق محقق برده و توسط سازمان جاسوسی اسرائیل شناسائی و سرمنی و  
 ۱۵ نفر ۵۰ مرد ۱۰ او و نخبیار انجام داده است. طلب موافقت شور و نا که در آن فقط

و فقط از طریق آمریکا امکان پذیر بود و میبایست (داد و ستد دیپلماتیک نظیر آزاد بودن  
 شهروندان در افغانستان و آزاد بودن مجامع آمریکایی در ایران) آشنائی کامل آمریکا  
 به امکانات و مستحضات و ناوگانها ارتش ایران که باعث میگردد بینندادات  
 بنی عامر - محقق و مهدیون بی‌اعتبار مورد قبول قرار گرفته و در آن اتم لازم بعمل  
 آید برادرش شدن ناچارم یک مسئله را دستا شمع دهم ...  
 محقق و مهدیون تلران انیرو ضوع بودند که خیابان روابط خصمانه ایران و عراق بحالت عادی تبدیل  
 شود و همات سنگین هواپیماها از روزی که بسیار شده و با بنابر حا منتقل گردد در نتیجه در دنیا  
 گردتا هواپیما مسلح در اختیار نیازی در نتیجه به حکومت جمهور اسلامی فرصت جفر شدن  
 و مقابل داده شود. (مسلح گردانم هواپیما اگر هم امکانات در اختیار باشد جدا قتل ساعت  
 زمان میبرد) بعین جهت به بنی عامر پیشنهاد کردند که از طریق باریس این مشکل حل شود تا  
 حالت خصمانه همچنان رایج نگه داشته شود و حملات گاه بگاه هوائی یا توپخانه ارتش عراق  
 در برابر سال ۵۹ (قبل از کودتا) ناشی از درخواست بنی عامر و هاشمی غانیدگان سیا  
 و موساد و عراق بود تا ارتش و نیرو هوائی مجبور باشد هواپیماها را در زیر مهات سنگین  
 نگه دارد و با فروختن منطقه خلیج در منطقه ارض فقط ۲۵ کیلومتر با منابع نفی عربستان سعودی  
 (در حقیقت آمریکا) فاصله دارد جز با توافق آمریکا امکان نداشته است. یثیبانی دولتی  
 منطقه نظیر مصر - اردن - مراکش - عربستان - کویت - امارات متحده عربی که هر کدام  
 آنها در حقیقت ایالتی از آمریکا هستند از دولت عراق فقط ناشی از این  
 میتوانه بان که آمریکا منشاء اصلی اسر ضب بوده است و با توپخانه با تله اسر ضب

یعنی خط عراق ایران طرحی بوده در ستاد کورتا نیز مطرح شده بود و طبق نسخه بنی عمار  
 این حق تقدم را داده بودند (حق تقدم با کورتا بود زیرا در صورت بروز مشکل آن کورتا  
 دیکور کلی حل میکرد) و اینکه واداندا دستور جنگ بعد از شکست کورتا نشان دهنده کلی بودن  
 آن است یعنی طرح کلی نابود در رژیم جمهوری اسلامی است منتها این طرح را در مراحل و  
 روشها گوناگون است که هر کدام چنانچه شکست خوردند مرحله در روش بعدی بیاید نمود  
 من قبلاً گفته‌ام و باز هم میگویم روش بعدی کورتا است. کورتا توسط یک ارتش بیروز  
 و متوقف در جبهه جنگ که هم روحیه کافری بود هم در دست و هم اینها را سرسینه  
 که میوه آن دست بعلیا می برنده البته همانگونه که کورتا تا فرجام قبلی یک کورتا علی بنو سیدی  
 بود عناصر کورتا بعد از حتی حمله است کاشی با شکر که ادعا میکنند در خط اسلام هستند

تصویر شماره ۳: متن اعترافات ناصر رکنی، ص ۳





## منابع

- انجمن اسلامی کارمندان دادگستری مرکز (۱۳۶۴). **غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، ظهور و سقوط ضد انقلاب**. تهران: انجمن اسلامی کارمندان دادگستری مرکز.
- بلوم، ولیام (۱۳۸۸). **سرکوب امید**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- توکلی نیشابوری، نصرالله (۲۰۱۴). **آخرین سقوط آریاها**. مریلند: ibex publishers
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (۱۳۶۵). **اسناد لانه جاسوسی**. ج ۵۵، تهران: مرکز نشر لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (بی تا). **پاریس پناهگاه جاسوسان آمریکا**. تهران: مرکز اسناد لانه جاسوسی.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۶۴). **منافقین و جنگ تحمیلی**. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- سلیمانی خواه، نعمت الله (۱۳۹۴). **روز شمار جنگ**. ج ۹، تهران: مرکز تحقیقات دفاع مقدس.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۶). **ساواک**. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- غضنفری، کامران (۱۳۹۴). **مداخلات**. ج ۳، تهران: کیهان.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۲). **تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی**. تهران: عروج.
- کاوشی، حسین (۱۳۸۸). **انقلاب اسلامی و شش کودتای شکست خورده**. زیر نظر احمد قدیریان. تهران: مجمع فرهنگی شهید بهشتی.
- کیه زاء، جولیتو (۱۳۶۲). **هدف تهران**. ترجمه هادی سهرابی، تهران: مرکز فرهنگی پچواک.
- لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۹۱). **روز شمار جنگ**. ج ۲۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳). **خاطره‌ها**. ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مؤسسه مطالعات پژوهشی سیاسی (۱۳۸۹). **اسناد لانه جاسوسی آمریکا**. ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات پژوهشی سیاسی.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۷). **کودتای نوژه**. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- موسوی، سید علی (۱۳۶۳). **کودتا و ضد کودتا**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هفته نامه خلق مسلمان. شماره ۱۸.
- وب سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، «کودتای نوژه چگونه خنثی شد». کد خبر ۴۵۶۴، [www.irdc.ir](http://www.irdc.ir)



شوشگاه علوم الهانی و مطالعات قرآنی  
تهال علی بن طلوع الهانی